

خلفاء بعد از پیغمبر

بحث تاریخی

بقلم: آقای حاج میرزا ابوالحسن مشی (آیه الله زاده)

(۲۱)

عثمان و استانداران

عثمان پس از استقرار بر مسند خلافت، همه استانداران زمان عمر را عزل و از طرف خود استانداران در ولایات نصب نمود

سعد بن ابی وقاص را از کوفه عزل کرد و برادر مادری خود ولید بن عتبہ (عقبه) را بجای او نصب کرد (این ولید همان کسی است که رسول خدا در باره اش فرمود ولید اهل آتش است) بعضی معتقدند که چون بین سعد بن ابی وقاص و عبدالله بن مسعود (عامل خراج از طرف عمر) اختلاف افتاد لذا سعد را عثمان معزول کرد عقبه بن فرقه را نیز عثمان از آذربایجان برداشت که این عزل برای عثمان گران تمام شد زیرا اهالی آذربایجان قیام کردند و بالاخره ولید آن فتنه را خواباند و با اهالی آذربایجان مصالحه نمود.

ابوموسی اشعری را نیز عثمان از بصره برداشت و بجای او عبدالله بن عامر بن کربز پسر خاله خود را نصب نمود پس از اندکی اهالی فارس علیه دولت اسلامی قیام کردند و حاکم خود عبدالله را کشتند این شورش و فتنه بالا گرفت و تا استخر و خراسان و سیستان

→ چون پس از نشر مقاله انتقادی بواسطه دوستان متوجه شدم که ابتکار انتقاد بر ترجمه پاینده تنها با من نیست اگرچه نوع انتقاد سابقین با انتقادات من کاملاً متمایز بود صلاح در این دیدم در کار شروع شده دیگران اقدامی نکنم از اینرو قضیه را مسکوت گذاشتم بهر حال چون من و منتقد محترم در این دنیا سرمایه و ثروتی جز حرف نداریم و میدانم ایشان تشنه جوابگویی هستند از اینجهت با احترام ایشان و برای اینکه انتظارشان پایان یابد بسر از گویی پایان میدهم تا ایشانهم بنوبه خود وارد میدان شوند و خوانندگان عزیز را با بیانات ممتع محظوظ فرمایند.

و چون شخصاً اهل مجادله نیستم پاسخگویی از طرف من فقط یکبار است و قضاوت نهایی بمعده خوانندگان عزیز خواهد بود.

در خاتمه مقال از مستشکل محترم و از جسارتیکه رفته است انتظار عفو دارم.

الاصغر یهفون والاکابر یهفون پایان انصار

رسید لیکن عبدالله بن عامر همه این مناطق را چه باجنگ و چه با مصالحه آرامش داد و لشکری بچند شاپور فرستاد و آنجا را فتح نمود (اخنف بن قیس را نیز از فاتحین خراسان دانسته اند) در این جنگ اسیران زیادی بدست مسلمین افتادند که از جمله آنها دختران یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانیان بودند.

(طبق نظر ابن ابی العدید «از طرق عامه» و عیون اخبار الرضا «از طرق خاصه» دختران یزدگرد در زمان عثمان اسیر شدند و جریان مکالمه آنان با خلیفه و طرفداری حضرت تعلی علیه السلام از آنان که نگذاشت با آنان معامله اسیر عادی شود و فروخته شوند بلکه آنان را مختار نمود تا شوهری انتخاب کنند در زمان عثمان شده نه زمان عمر اگر چه قول ضعیفی نیز این جریان را در زمان خلافت حضرت تعلی علیه السلام میدانند)

از کارهای شنیعی که در فتح خراسان لشکر عثمان مرتکب شدند آمیزش با ساده پسران بود. عمر (همچنانکه گذشت) دستور داده بود که افراد لشکر بیش از چهار ماه از زنان خود دورمانند ولی این قانون در زمان عثمان نقض شد و اقامت لشکر در میدانهای جنگ طولانی شد و چون لشکر از خانواده های خود دورماندند، کم کم با ساده پسرانی که باسارت داشتند انس گرفته درخیمه ها آمیزش کردند درحالتیکه این عمل قبیح بنص قرآن حرام است و رسول اکرم فرمود فاعل و مفعول را بقتل برسانید (و حضرت تعلی این فرمایش را در مورد فاعل و مفعولی اجرا نمود. هم رجم کرد و هم از بلندی سرنگون نمود و عده کثیری از اصحاب نیز از حضرت علی علیه السلام متابعت نمودند)

در کتاب اوائل از حضرت رسول روایت شده که خداوند قوم او طرا بسبب ده خصلت هلاک نمود.
۱- آمیزش مردان با مردان ۲- سنگ اندازی و خذف بازی (نوعی قمار) ۳ کبوتر بازی ۴- دف زدن ۵- شرابخواری ۶- ریش تراشیدن و تبارب نهادن ۷- بادهان سوت کشیدن ۸- کف زدن ۹- پوشیدن مردان لباس حریر ۱۰- آمیزش زنان باهم

عثمان در سال ۲۴ هجری عمرو بن عاص را از حکومت مصر عزل نمود و بجای او عبدالله بن ابی سرح را نصب نمود این عبدالله در زمان رسول خدا پس از اسلام آوردن مرتد گردید رسول خدا نیز خون او را مباح کرد بدینجهت عبدالله فراری شد و چون عثمان بخلافت رسید، حکومت مصر را باو داد صاحب کتاب حماة الاسلام معتقد است که علت عزل عمرو عاص اختلاف او با عبدالله بن ابی سرح (عامل خراج) بود که عثمان عمرو را عزل و منصب او را نیزه عبدالله داد لیکن بعضی دیگر میگویند که اهالی اسکندریه قیام کردند و عمر و عاص با آنان جنگید و اسکندریه را فتح نمود زنان و اطفال اسکندریه را باسارت گرفت و بمدینه فرستاد ولی عثمان آنان را آزاد کرد و با اسکندریه مراجعت داد و اجازه داد که بهمان دین نصرانیت باقی باشند و بالنتیجه پاداش عمل عمرو عاص عزل او گردید

گویند چون عمرو عاص بمدینه آمد عثمان رفتار عبدالله را از عمرو پرسید عمرو گفت عبدالله آنچه است که تو میخواهی گفت توضیح بده عمرو گفت عبدالله در کار خود توانا و بینا است ولی در کار خدا ناتوان و کور، عثمان گفت باو دستور داده ام که بروش

تورفتار کند عمر و گفت دستور بیجائی دادی

عبدالله بن ابی سرح در افریقا بجنگ پرداخت و فتوحات بسیاری نموده پادشاه افریقا جرجیر را کشت و در همان سال اول ۱۲ میلیون وصول نموده بمدینه فرستاد عثمان خوشحال گردید و بکنایه عمر و گفت در الملاح (جفت گیری شتران بر خیر بود) کنایه از اینکه در حکومت عبدالله پول فراوانی بدست آورده ایم عمر و در جواب گفت لو یتهم یضر بالفصالار (جفت گیری فراوان به بچه شتران زیان میرساند) کنایه از اینکه این نحو مالیاتها رعیت را سخت کردن است عثمان برای دلجوئی از عمر و حکومت فلسطین را باو داد .

حکومت شام مانند زمان خلافت عمر در دست معاویه ماند معاویه با اجازه عثمان کشور گشائی پرداخت (معاویه از عمر اجازه جنگ دریائی خواسته بود ولی چون عده ای از لشکریان عرب قبل از دریا غرق شده بودند و عمر عهد کرده بود که دیگر از راه دریا لشگری بجنگ نرستد لذا باو اجازه نمیداد) معاویه لشگری بریاست عبدالله بن قیس بطرف جزیره کیل داشت عبدالله بن قیس ۵۰ جنگ کرد و عموریه و قلمهای بین او و طرطوس و انطاکیه و جزیره قبرس را فتح نمود و مال فراوانی بدست آورد .

صاحب تاریخ خلفاء می نویسد رسول خدا در منزل ام حرام خواب غیلوله نمود چون از خواب بیدار شد تبسمی فرمود ، ام حرام علت تبسم پرسید حضرت فرمود خواب دیدم که عده ای از لشکریان اسلام سوار کشتی هستند و بطرف جزیره برای جنگ با کفار و هپارند ام حرام عرض کرد یا رسول الله دعا کن من هم از آن عده باشم و شهید شوم رسول خدا دعا فرمود ، این خواب پیغمبر تعبیر شد زیرا ام حرام با همسر خود عباده بن صامت که در شام بود در این جنگ دریائی شرکت نمود و چون بجزیره قبرس رسیدند ام حرام سوار اسب شد ناگهان از اسب در غلطید و جان سپرد .

مغیره بن شعبه از طرف عثمان همدان را فتح کرد و حکومت آنجا را بدست گرفت میگویند که در زمان عمر مسلمانان روی را محاصره کرده بودند ولی در زمان عثمان و بدست مغیره گشوده شد . این بود مختصری از فتوحات اسلام در زمان عثمان و حکام او

ثروت در زمان عثمان

قبل از ورود در این فصل مهم توجه خوانندگان را مطالب زیر جلب میکنیم صاحب مجموعه ورام نقل میکند که در زمان رسول خدا مردی از انصار خانه بلند مرتبه ای بنا نمود چون عبور رسول خدا از آن طرف افتاد پرسید این خانه از کیست ؟ گفتند از فلان انصاری و چون روز بعد آن مرد بخدمت حضرت رسول رسید و سلام گفت حضرت پاسخی بسلام او نداد و روی از او برگرداند و قتیکه علت پرسید گفتند برای این ساختمان است که کرده ای آن مرد فوراً بخراب کردن آن خانه پرداخت و بازمین هموار نمود رسول خدا نیز با او بر سر مهر آمد و فرمود این عملها مردم را از ذکر خدا و یاد آخرت غافل میسازد .
عمر در مسافرتی که بمکه نموده بود چون بمدینه بازگشت و حساب مخارج را نمود دید

(بنام خدا)

جناب آقای حاج شیخ حسن حجتی و انتظ محترم

اینجانب مدتی است مجله وزین و سودمند (راه حق) را میخوانم و از مندرجات آموزنده و پرارزش آن که انسان را در راه دیانت و وظائف دینی و مذهبی بیدار و متنبه میسازد بهره وافی میبرم. در آخرین شماره آن که سه روز قبل بدستم رسید شرحی تحت عنوان (نامه و مقاله) بقلم آقای محمد جناب زاده خواندم که چون قسمتی از آن با جامعه زنان ارتباط داشت بنوشتن این مختصر و ادا نمود تا اگر مصلحت باشد در شماره آینده درج فرمایند:

آقای جناب زاده مرقوم فرموده اند: زنها باید بوظائف اصلی خود بپردازند و در کارهای اجتماعی که مخصوص مردان است شرکت نمایند. فرمایش ایشان بنظر اینجانب بسیار متین و منطقی است زیرا زن برای کاری و مرد برای انجام کاری دیگر خلق شده است. زن دارای وظائف خاصی است که از همه مهمتر تربیت فرزند است و در صورتیکه مادری بتواند اولاد لایقی بیار آورد بر بها ترین خدمت را به عالم بشریت انجام داده است. و اگر بعقیده آقای جناب زاده زن هرگز جزو مخترعین و مکتشفین بشمار نخواید آمد اما باید در نظر داشت که همه دانشمندان و کاشفین مشهور عالم تربیت شده دست زنان هستند و مر بیان آنها از عالم بالا نزول نکرده اند!

و اما اینکه زنان از وظائف اصلی خود عدول کرده بکارهای اجتماعی دست میزنند علاوه بر مساوات جوئی و احقاق حق - که خود موضوعی جدا گانه و مهم است - معلول علل خیلی زیادی است که چندتای آنرا با قلم ناقص خود ذیلاً توضیح میدهم:

۱ - گرانی زندگی و اشکالات اقتصادی و مادی خانواده ها امروز ایجاب میکند که زن در برهه انداختن چرخ زندگانی با همسر خود همکاری نماید و بدینوسیله باری ازدوش

→ شانزده دینار خرج کرده بفرزندش عبدالله گفت مادر این سفر اسراف کرده ایم. وقتیکه مردم کوفه از سعد بن ابی وقاص استاندار خویش بهمر شکایت کردند و نوشتند که سعد بدنیار اغب است بلافاصله محمد بن مسئله انصاری را مامور تحقیق و بازرسی نمود محمد بکوفه آمد و سعد را در دادگاه بازماره بازداشت نمود آنگاه مردم را در مسجد جمع کرد و از حال سعد جو یا شد بعضی مدح و بعضی قدح کردند وقتیکه گزارش بهمر رسید بلافاصله سعد را معزول و عمار یاسر را بجای او منصوب نمود.

این بود جریان زندگی مردم و حکومتها در زمان رسول خدا و خلفای اول و دوم اینک بشرح اوضاع زمان عثمان میپردازیم تا تفاوت دوزمان آشکار شود.